

Analysis of Shy Socialization in Contemporary Iran

With emphasis on narrative texts

*Ghasem Ebrahimipour**

*Assistant Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Educational and Research
Institute, Qom*

Email: ebrahimipour14@yahoo.com

Abstract

According to the teachings of narration, shame and modesty are the basis of all desirable attributes, so that if modesty disappears from society, all virtues will collapse one after the other, and public culture will be emptied of utopia. This study aims to analyze the factors, mechanisms and consequences of the socialization of modesty and indecency in the contemporary period from the perspective of narrative texts. Findings show that the internalization of modesty is not seriously considered and the socialization of indecency is influenced by many factors such as lowering the level of religiosity, lowering self-esteem and social status, lowering patience and tolerance, lowering The level of wisdom and rationality and expression of need has been overcome. Also, the activities of formal organizations such as health, education, media, sports and lack of recreational and sports facilities for women in contemporary society pursue immoral socialization in today's society.

Keywords: sociability, immorality, moral corruption, social ethics.

*. Date of Reception: 2020/11/01 , Date of Acceptation: 2021/02/03

تحلیل جامعه‌پذیری حیا در ایران معاصر با تأکید بر متون روایی

قاسم ابراهیمی‌پور *

استادیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم

Email: ebrahimipoor14@yahoo.com

چکیده

بر اساس آموزه‌های روایی شرم و حیا بنیان همه صفات پسندیده است طوری که اگر حیا از جامعه رخت بر بندد همه فضایل یکی پس از دیگری فرو می‌ریزند و فرهنگ عمومی از اخلاق فاضله تهی می‌شود. این پژوهش بر آن است تا عوامل، سازوکار و پیامدهای جامعه‌پذیری حیا و بی‌حیایی را در دوره معاصر از دیدگاه متون روایی مورد تحلیل قرار دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد درونی‌سازی حیا مورد توجه جدی نیست و جامعه‌پذیری بی‌حیایی تحت تأثیر عوامل فراوانی مثل کاهش سطح دین‌داری، کاهش عزت نفس و منزلت اجتماعی، کاهش حلم و بردباری، کاهش سطح خرد و عقلانیت و ابراز نیاز، غلبه یافته است. هم‌چنین فعالیت‌های سازمان‌های رسمی مثل بهداشت و درمان، نهاد آموزش، رسانه، ورزش و عدم امکانات تفریحی و ورزشی برای بانوان در جامعه معاصر جامعه‌پذیری بی‌حیایی را در جامعه کنونی دنبال می‌کنند.

کلیدواژه: جامعه‌پذیری، بی‌حیایی، مفاسد اخلاقی، اخلاق اجتماعی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

مقدمه

افراد معمولاً در حضور دیگری از انجام بسیاری از رفتارها خودداری می‌کنند. علل و انگیزه‌های متنوعی برای این مسئله مطرح شده است؛ اما یکی از عوامل این خودداری، حالتی درونی است که با عنوان حیا، شرم و خجالت از آن یاد می‌شود. حیا از این منظر یکی از ارکان زندگی اجتماعی است و فقدان آن می‌تواند فروپاشی و اضمحلال جامعه را در پی داشته باشد. از این روست که جامعه تلاش می‌کند تا شرم و حیا را از طریق فرایند جامعه‌پذیری به نسل‌های بعد منتقل و در برابر بی‌شرمی مقاومت نماید. انحراف و کج‌روی به‌ویژه هنگامی که به مسئله یا آسیب تبدیل شود قلب جامعه را جریحه دار می‌کند، اما هنگامی که همان انحرافات و کج‌روی‌ها علنی شوند و فرد از ارتکاب آن‌ها شرم نکند، جامعه به‌مثابه یک تابوشکنی با آن‌ها برخورد می‌کند؛ زیرا همواره درجه‌ای از انحراف در جامعه تحمل می‌شود، اما همان انحراف کم، هنگامی که همراه با بی‌حیایی، علنی و بدون هرگونه خجالت و شرم صورت گیرد، برای دیگران زجرآور خواهد بود.

از منظر متون روایی نیز سطره حیا بر فرهنگ عمومی، بسیاری از صفات خوب را به‌دنبال خواهد آورد و با فقدان حیا در جامعه، همه صفات خوب از دست خواهد رفت. در این پژوهش برآنیم تا جامعه‌پذیری حیا را از منظر متون روایی موردبررسی قرار دهیم.

حیا در لغت به معنای شرم و آزر و در اصطلاح به معنای خصلتی است که نفس انسان را از ضعف و سستی (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۳۹) و انجام اعمال زشتی که موجب عصیان و ناسزاگویی مردم شود، باز می‌دارد (مسکویه، ۱۳۸۵، ص ۱۷). شرم و حیا مانع از انجام علنی رفتارهایی است که ناپسند و زشت تلقی می‌شوند.

سطحی از حیا، فطری و سطحی از آن مثل پرهیز از گناه به دلیل ترس از خدا اکتسابی است؛ بنابراین حیا یک ویژگی نفسانی است که انسان را از اموری که از منظر فطرت، عقل یا شرع پست شمرده شده، باز می‌دارد. بعد فطری حیا نیازمند شکوفایی و بعد اکتسابی حیا نیازمند آموزش است که هر دو در فرایند جامعه‌پذیری تأمین می‌شود.

در لسان روایات، چشم به زیر انداختن نماد حیا و پرهیز از رفتاری که فرد دوست ندارد با او این‌گونه رفتار شود، ملاک رفتارهای مبتنی بر حیا شمرده شده است.

۱. امیرالمؤمنین (ع): «الْحَيَاءُ غَضُّ الطَّرْفِ» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۴۶۲)؛ شرم، فروهستن چشم است.

۲. امیرالمؤمنین (ع): «حَسْبُ الْمَرْءِ... مِنْ حَيَائِهِ أَنْ لَا يَلْقَى أَحَدًا بِمَا يَكْرَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۸۰)؛ در شرم آدمی همین بس که با دیگری آن‌گونه که خود ناخوشایند می‌دارد، رفتار نکند.

حیا از منظر متون روایی به دو دسته مطلوب و مذموم تقسیم می‌شود. حیایی که مبتنی بر علم و عقل باشد مطلوب و حیایی که مبتنی بر جهل و نادانی باشد مذموم است.

رسول الله (ص): «الحیاء حیاءان: حیاء عَقْلٍ وحیاء حُمْقٍ، فَحِیاءُ الْعَقْلِ الْعِلْمُ وَ حِیاءُ الْحُمْقِ الْجَهْلُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۳۱)؛ حیا بر دو گونه است: حیای خردمندانه و حیای احمقانه. حیای خردمندانه، دانش است و حیای احمقانه، جهل و نادانی.

در پژوهش حاضر، حیای مطلوب و نسبت آن با جامعه‌پذیری را مورد بررسی قرار داده‌ایم و کارکردهای حیای مذموم را با عنوان کژکارکردهای حیا تبیین کرده‌ایم. سپس نمونه‌هایی از جامعه‌پذیری حیا یا بی‌حیایی را در ایران معاصر ذکر کرده‌ایم.

پیشینه

صدر (۱۳۹۱) در «ارزش یا ارزش‌های بنیادین در اخلاق»، در جست‌وجوی پاسخ به این پرسش است که آیا در میان ارزش‌های اخلاقی، یک یا چند ارزش اصلی داریم که همه ارزش‌های دیگر از آن‌ها نشأت بگیرد؟ جوکار (۱۳۹۲) در «الگوی تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی»، شیوه‌های تقویت حیا را بررسی می‌کند. اورکن اول حیا را تربیت صحیح جنسی و رکن دوم آن را رعایت حریم‌ها در جامعه می‌داند.

خادم پیر (۱۳۹۴) در «خاستگاه، عوامل و آثار شرم و حیا در نگاه قرآن و حدیث»، با پذیرش تقسیم حیا به نفسانی و ایمانی، حیای نفسانی را به جنسیت وابسته و کم‌رنگ شدن حیا در جامعه را موجب درگیری بیشتر زنان در عرصه‌های جلوه‌گری می‌داند.

یافته‌های امانی (۱۳۹۵) در پژوهش «راهکارهای احیای حیا در اجتماع» این است که در صورت احیای حیا در جامعه، فضایل اخلاقی دیگر نیز احیا و جامعه اخلاقی می‌شود. قاسمی (۱۳۹۵) در «علل و آثار کاهش حیا و افزایش بی‌حیایی و راه کارهای برون‌رفت از این وضعیت»، به کالبدشکافی مفهوم «حیا» و تأثیرات آن بر رفتار متقابل فرد و جامعه پرداخت. میرپوریان (۱۳۹۵) در «بهره‌گیری از روایات معصومین برای بیان مفهوم عرفانی حیا» نشان می‌دهد صوفیان مفهوم حیا را از روایات معصومین گرفته، در زبان عرفانی خود وارد کرده‌اند.

محزونی (۱۳۹۵) «نقش حیا در پرورش فرزندان پاکدامن از منظر قرآن و روایات»، تلاش کرده تا لزوم وجود و ارتقای کیفیت حیا را در جامعه بررسی کند. سمیعان (۱۳۹۶) در «بررسی تأثیر دین‌داری بر تجربه احساس شرم و حیای شهروندان» به این نتیجه رسید که بین دین‌داری و میزان حس شرم و حیای شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. محمدی‌فر (۱۳۹۷) در «رویکردی بر نهادهای‌سازی حیا و اخلاق عمومی در پرتو نظریه کمال‌گرایی کیفری»، فضیلت‌گرایی کیفری را ناکارآمد و نافی ارزش‌های معنوی تحصیل شده می‌داند. جهان‌شاهی (۱۳۹۷) در «اثر بخشی آموزش حیا بر کاهش اعتیاد به اینترنت» نشان می‌دهد «آموزش حیا» در «کاهش اعتیاد به اینترنت» تأثیر معناداری دارد؛ در «کاهش رفتارهای پرخطر» تأثیر معناداری ندارد و به کاربران کمک می‌کند تا «خودکنترلی» بیشتری در مواجهه «سکس مجازی» و «هرزه‌نگاری» داشته باشند.

خجسته (۱۳۹۸) در «شیوه‌های ترویج حیا با محوریت سوره نور»، تلاش می‌کند که شیوه‌های فردی و اجتماعی ترویج حیا در جامعه را بررسی کند. ماهینی (۱۳۹۸) در «مفهوم‌شناسی حیا و عفاف آسیب‌ها و راهکارها»، در صدد است تا نشان دهد که باوجود برخی تفاوت‌های ظاهری، این دو مقوله اخلاقی به شدت به یکدیگر نزدیک‌اند. سیوانی‌زاد (۱۳۹۹) در «اخلاق اجرا در برنامه‌های غیرنمایشی رسانه ملی با تأکید بر عنصر حیا در اجرای زنان»، ابعاد حیا در مجری‌گری زنان و راهکارهای عملی برای بهره‌گیری از این ارزش اخلاقی را بررسی نموده است. حاجی ده‌آبادی (۱۴۰۰) در «شرم و پیشگیری از جرم از منظر دانش جرم‌شناسی و اخلاق اسلامی»، تأثیرات حیا را در پیشگیری از رفتارهای ناپه‌نجار و مجرمانه موردبررسی قرار می‌دهد.

پژوهش‌های فوق مباحث نظری مربوط به حیا و راهکارهای تحقق آن در جامعه را موردبررسی قرار داده‌اند اما هیچ یک نسبت آن با جامعه‌پذیری و وضعیت جامعه‌پذیری حیا یا بی‌حیایی در جامعه معاصر را موردتوجه قرار نداده‌اند. مسیری که در این پژوهش دنبال شده است.

چارچوب مفهومی

رهیافت‌های جامعه‌پذیری در نسبتی که با مفاسد اخلاقی برقرار می‌کنند، به پنج دسته قابل تقسیم است. دسته اول از این رویافت‌ها، نسبت جامعه‌پذیری را با همنوایی موردتوجه قرار داده‌اند که به‌عنوان مهم‌ترین عامل پیشگیری از مفاسد اخلاقی موردتوجه است؛ دسته دوم، نقص در جامعه‌پذیری را عامل بروز مفاسد اخلاقی تلقی می‌کنند؛ دسته سوم، جامعه‌پذیری مفاسد اخلاقی را تبیین می‌کنند که در این صورت جامعه‌پذیری خود به‌عنوان یکی از عوامل ترویج مفاسد اخلاقی شمرده می‌شود. دسته چهارم، تکرار مداوم جامعه‌پذیری در جوامع مدرن را یادآور می‌شوند و سرانجام دسته پنجم، جامعه‌پذیری اخلاقی را موردتوجه قرار می‌دهند. در این می‌ان، دسته اول و سوم با مسئله پژوهش حاضر ارتباط دارد. برای دسته اول نظریه پارسونز و برای دسته سوم دو نظریه انتقال فرهنگی و همنشینی افتراقی قابل طرح است.

به اعتقاد پارسونز، نظام فرهنگی به‌عنوان مهم‌ترین نظام‌ها، از طریق دو سازواره جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی به کارکرد اصلی خود یعنی پایداری و بقای جامعه، عمل می‌کند (تنهایی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۵) جامعه‌پذیری به اعتقاد وی شیوه انتقال هنجارها و ارزش‌های یک نظام به کنشگران درون نظام و ملکه ذهن شدن این هنجارها و ارزش‌ها در آن‌ها است (ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۱۳۶). از منظر وی نظام مطلوب، نظامی است که نظارت در آن به حداقل برسد و این جز با تعمیق فرایند جامعه‌پذیری و درونی ساختن ارزش‌ها و هنجارها توسط کنش‌گران اجتماعی میسر نیست. پارسونز بر این باور است که فرایند جامعه‌پذیری عمدتاً از طریق خانواده و نظام آموزشی انجام می‌گیرد هرچند وسایل ارتباط جمعی، فعالیت‌های تربیتی در احزاب و سازمان‌های سیاسی نیز در آن سهیم هستند.

تنوری انتقال فرهنگی تأکید می‌کند که انحراف همانند همنوایی آموخته می‌شود؛ یعنی فرد منحرف ناهنجاری‌ها

را از جامعه یاد می‌گیرد؛ همان‌طوری که افراد بهنجار همگی رفتار هنجارمند را از جامعه می‌آموزند (رابرتسون، ۱۳۴۷، ص ۱۷۰). نظریه انتقال فرهنگی شاو^۱ و مکی^۲ جرم جوانان و گروه‌های دیگر را با توجه به منطقه یا محله زیست آن‌ها مطالعه کرده‌اند.

به نظر آن‌ها منطقه یا محل زیست، جایی مستقل از کل جامعه است و کثر رفتاری جوانان حاصل نیروهایی است که در منطقه وجود دارند و عمل می‌کنند. اینان معتقدند فعالیت‌های آغازین فرد از طریق شرکت در فعالیت‌های اجتماعی در گروه‌هایی نظیر خانواده، دوستان همبازی و همسایگان شکل گرفته و سرنجام نگرش‌ها، علائق و روش‌های رفتاری فرد سازمان می‌یابد. (نبوی، ص ۵۸)

نظریه هم‌نشینی افتراقی^۳ ساترلند، بر این نکته تأکید دارد که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با «دوستان ناباب» آموخته می‌شود. ادوین ساترلند^۴ بر این اعتقاد است که رفتار انحرافی از طریق «معاشرت با اغیار» یا «پیوند افتراقی» یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند جنایتکاران، آموخته می‌شود. او می‌گوید: «برای آن‌که شخص جنایتکار شود، باید نخست بیاموزد که چگونه می‌توان جنایت کرد» (کوئن، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷).

آلبرت کوهن معتقد است پسران و فرزندان طبقه پائین اهداف طبقه متوسط را می‌پذیرند و والدین آن‌ها را به جهت رسیدن به این ارزش‌ها تشویق می‌کنند، ولی آن‌ها وسایل دسترسی به این اهداف را در اختیار ندارند درنتیجه مشکلات بزرگ سازگاری اتفاق می‌افتد. یکی از راه‌های مقابله با مشکل سازگاری، همکاری نمودن در ایجاد و حفظ خرده فرهنگ بزهکاری است.

مبنای انسان‌شناختی نظریه‌های بالا این است که ما در رفتارهای انسانی پایه‌های غریزی نداریم و همه چیز بر اساس یادگیری رخ می‌دهد. تجربه خانواده‌هایی که کودکانی را از فرهنگ‌های دیگر به فرزندی پذیرفته‌اند، مطالعات مردم‌شناختی در مورد گوناگونی حیرت‌انگیز رفتارهای انسانی از یک جامعه به جامعه دیگر، کودکان وحشی و نسل دومی‌ها نسبت به والدین مهاجرشان، شواهدی بر این ادعاست (لو بروتون، ۱۳۹۲، ص ۹۴). بر این اساس، کودکان سراسر دنیا از ظرفیت‌های مشابهی برای یادگیری برخوردارند و این قرار گرفتن‌شان در یک گروه اجتماعی خاص است که قابلیت ای‌شان را در یک جهت یا در جهتی دیگر بنا بر آموزش دریافتی، رشد می‌دهد. تنها امر جهان شمول این است که این کودکان قابلیت فرو رفتن در نظم نمادین یک جامعه را دارند (لو بروتون، ۱۳۹۲، ص ۹۶).

1. Show.

2. Mckay.

3. Differential affiliation.

4. E. Sutherland.

علامه طباطبایی معتقد است دو راه برای اعمال قانون در جامعه وجود دارد. یکی این که افراد مجبور به رعایت قوانین شوند و دیگر این که افراد طوری تربیت شوند که خود، قوانین را محترم و مقدس شمرده و آن را رعایت نمایند. در این میان، شیوه اول در همه موارد کارایی نداشته و تنها شیوه دوم قادر به کنترل کنش‌های انسان در نهان و آشکار است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۷۹). بر این اساس، برای کنترل آسیب‌های اجتماعی باید بر فرایند جامعه‌پذیری تأکید و تکیه داشت؛ زیرا در فرایند جامعه‌پذیری فرد بر اثر هم‌نو شدن با هنجارهای اجتماعی، وظایف اجتماعی را پذیرفته، راه‌های هم‌نوایی را شناخته و بدین سبب دارای رفتاری پسندیده خواهد بود (آگ برن، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸)، اما انسان‌ها در ساختارهای اجتماعی‌ای که خود نیافریده‌اند زاده می‌شوند و باز در درون سازمان اجتماعی و نهادی‌ای که خود ساخته‌اند زندگی می‌کنند و تحت فشار محدودیت‌ها، آداب، رسوم و قوانین عمل می‌کنند.

همه مواردی که گفته شد، به‌عنوان عناصر سازنده «خود» عمل می‌کنند، اما با این همه «من» همیشه در برابر موقعیت‌های از پیش تعیین شده به شیوه‌ای منحصر به فرد واکنش نشان می‌دهد (کوزر، ۱۳۸۶، ص ۴۵۰). چون قواعد حاکم بر جامعه، صورت‌های ذهنی و قابل تخلف هستند و تنها هنگامی که اراده و میل انسان به آن تعلق گیرد از آن‌ها پیروی می‌کنند و در صورتی که افراد به آن عمل نکنند تحقق خارجی نخواهند یافت زیرا بازتولید این قواعد فقط از طریق عمل به آن‌ها صورت می‌گیرد. حال سؤال اساسی و مهم این است که در چه شرایطی انگیزه عمل به این قواعد در افراد ایجاد می‌شود؟

هنگامی که هنجارهای اجتماعی زنده و مورد توجه افراد است و فرهنگ افراد را مجبور به تبعیت از قواعد می‌نماید، باز هم افراد به‌صورت پنهانی مرتکب کج‌روی می‌شوند و قوانین رسمی قادر به نفوذ در عرصه‌های خصوصی نخواهد بود. از این‌رو تنها ضامن اجرای قواعد، اخلاق عالی‌ه انسانی است که در صورت فقدان آن، جامعه در اثر نقض قوانین و شیوع فساد متلاشی خواهد شد. اسلام، سنن و قوانین خود را بر اساس اخلاق تشریع نموده و بر تربیت اخلاقی افراد اصرار دارد؛ زیرا اخلاق، همه جا با افراد همراه است و در هر دو عرصه عمومی و خصوصی بهتر از پلیس عمل می‌کند؛ زیرا پلیس تنها در عرصه‌های عمومی انسان را کنترل و نظم را برقرار می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۷۴ و ۱۷۵) و یکی از مهم‌ترین صفات اخلاقی حیاست که اگر باشد بسیاری از فضایل اخلاقی به‌دنبال آن خواهند آمد و اگر نباشد هیچ بسیاری از فضایل از وجود فرد و عرصه جامعه رخت بر می‌بندند؛ بنابراین عامل مؤثر در هم‌نوایی انسان، جامعه‌پذیری در فرهنگی اخلاقی است که فضایل را درونی کرده و افراد را ملزم به رعایت قوانین و قواعد نماید؛ و در این میان، جامعه‌پذیری شرم و حیا، اولویت منطقی دارد.

بر اساس نظریه‌های بالا، فرد در فرایند جامعه‌پذیری حیا را درونی ساخته و به‌صورت خودکنترلی از ارتکاب بسیاری از کنش‌های نابهنجار خودداری می‌کند. در مقابل افرادی نیز هستند که در خرده فرهنگ بی‌حیا یا فرهنگی که عرصه‌هایی از بی‌حیایی در آن به یک ارزش تبدیل شده، ارزش‌ها و هنجارهای معطوف به آن عرصه‌های بی‌حیایی را درونی ساخته و بر اساس آن دست به عمل می‌زند؛ و به اصطلاح بی‌حیایی را جامعه‌پذیر می‌شوند.

سطوح حیا

حیا و شرم سطوح مختلفی دارد که در تبیین‌های جامعه‌شناختی توجه به آن لازم است. شرم از خود، دیگری، خدا، فرشتگان، امامان و حتی شرم از احساس حضور دیگری و لو در خیال، شرم از قاب عکس روی دیوار یا مجسمه و بتی که در محل حضور فرد قرار دارد، از جمله سطوح حیاست که کارکردهای متنوعی دارد.

شرم از خدا

اگر در فرهنگی مبتنی بر آیاتی مثل «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي» (علق: ۴) باوری مبتنی بر حضور خداوند در همه زمان‌ها و مکان‌ها در عمیق‌ترین سطوح فرهنگی شکل بگیرد، افراد حتی در غیاب دیگری و فقدان دوربین و نظارت‌های رسمی و غیر رسمی، از ارتکاب اعمال ناپسند خود داری می‌کنند. شرم از خدا می‌تواند به دلیل ترس از مجازات الهی در دنیا یا آخرت و یا جلب محبت الهی باشد.

الإمامُ الكاظمُ (ع): «رَجِمَ اللَّهُ مِنْ اسْتَحْيَى مِنْ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ، فَحَفِظَ الرَّأْسَ وَمَا خَوَى، وَالْبَطْنَ وَمَا وَعَى، وَذَكَرَ الْمَوْتَ وَالْبَلَى، وَعَلِمَ أَنَّ الْجَنَّةَ مَخْضُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالنَّارَ مَخْضُوفَةٌ بِالشَّهَوَاتِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۴۲)؛ رحمت خدا بر کسی که از خدا، حقیقتاً حیا کند. پس سر و اندیشه خود و شکم و خوراک خویش را پاس دارد و مردن و پوسیدن را به یاد داشته باشد و بداند که بهشت در آمیخته با سختی‌هاست و دوزخ پیچیده در خواهش‌ها و هوس‌ها.

شرم از دیگری

سطح دیگری از شرم و حیا، شرم از حضور دیگری است؛ زیرا انسان به شدت نیازمند تأیید و جلب عاطفه مثبت دیگران یا حداقل طرد عاطفه منفی آن‌هاست؛ از این رو، به هم‌رنگی با جماعت و پیروی از هنجارهای اجتماعی روی می‌آورد؛ بنابراین شرم از حضور دیگری می‌تواند به دلیل دست‌یابی به پاداش یا ترس از مجازات و تنبیه یا طرد اجتماعی باشد؛ به عبارت دیگر، حیا حالت و انکسار در رفتاری است که انسان انجام آن را عار می‌داند و از مورد عتاب و مذمت قرار گرفتن به واسطه آن می‌ترسد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۱۹).

رسولُ اللَّهِ (ص): «اسْتَحْيَ مِنَ اللَّهِ اسْتِحْيَاءَكَ مِنْ صَالِحِي جِيرَانِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۰۰)؛ از خدا حیا کن همچنان که از همسایگان خوب خود حیا می‌کنی.

شرم از خود

گاهی فرد خود را شریف‌تر از آن می‌داند که برخی از رفتارها را مرتکب شود یا شان و منزلت خود را بالاتر از آن می‌داند که به برخی از کارها دست بزند. این سطح از شرم کمال جوانمردی و آزادگی فرد است که بدون توجه به مجازات‌های دنیوی و اخروی و فقط به خاطر عزت نفس دست از برخی از امور بشوید.

۱. امیرالمؤمنین (ع): «مِنْ تَمَامِ الْمُؤْمِنَةِ أَنْ تَشْتَحِيَ مِنْ نَفْسِكَ» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۹۳۴)؛ از کمالات جوانمردی، این است که از خود حیا کنی.

۲. امیرالمؤمنین (ع): «مِنْ أَفْضَلِ الْوَرَعِ أَنْ لَا تُبْدِيَ فِي خُلُوتِكَ مَا تَشْتَحِي مِنْ إِظْهَارِهِ فِي عَلَانِيَتِكَ» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۶۷۷)؛ از برترین پارسایی‌ها این است که در خلوت کاری نکنی که در آشکار از انجامش شرم داری.

با توجه به انواع سه گانه شرم، ممکن است فردی از خود و خدای خود شرم نکند، اما به دلیل شرم از دیگران، به صورت پنهانی دچار انحراف یا کج‌روی شود، یعنی به هیچ وجه حاضر نیست در حضور دیگران آن کار را تکرار کند. حتی گاهی این دیگری که فرد از او شرم می‌کند می‌تواند یک مجسمه و بت یا یک عکس و یا حتی خیال حضور دیگری و احتمال آگاه شدن او از این رفتار باشد، آن‌گونه که زلیخا در هنگام خلوت با یوسف، روی بت خود پارچه‌ای انداخت؛ بنابراین ارتکاب جرم، انحراف و تخلف در حضور دیگران حاکی از بی‌حیایی است؛ به عبارت دیگر تخلف از هنجارهای اجتماعی و اصول اخلاقی تازمانی که به صورت پنهانی صورت می‌گیرد همچنان می‌توان به اصلاح جامعه و پایداری آن امیدوار بود اما هنگامی که این امور به صورت علنی انجام گیرد، حاکی از تغییر ارزش‌ها و نابسامانی‌های بنیادین جامعه است.

جامعه‌پذیری حیا

حیا بر دو قسم نفسانی و ایمانی است (پسندیده، ۱۳۸۳، ص ۱۰۴). حیای نفسانی، فطری و همگانی است. افراد دیندار و بی‌دین از این نوع حیا به صورت فطری برخوردارند که البته در فرایند جامعه‌پذیری مورد تقویت و شکوفایی یا تضعیف قرار می‌گیرد. بدیهی است همه افراد در سراسر دنیا از انجام برخی رفتارها در حضور دیگران شرم می‌کنند؛ اما حیای ایمانی مختص مؤمنین است و بسته به میزان ایمان شخص شکل می‌گیرد و تضعیف یا تقویت می‌شود. جامعه‌پذیری دینی و تقویت دین داری به طور کلی، تقویت این نوع حیا را به دنبال دارد.

ازجمله علل تقویت حیای نفسانی می‌توان به حفظ حریم‌ها و حرمت‌ها، پرهیز از ابراز نیازمندی، وجود حلم و خردمندی، جدا کردن بستر دختران و پسران، پنهان کاری والدین در مسائل و امور جنسی، اجازه گرفتن فرزندان برای ورود به عرصه خصوصی والدین (نور: ۵۸) و پرهیز والدین از پوشیدن لباسهای نامناسب در منزل اشاره کرد. اموری مثل دین‌داری، ایمان و یا درک حضور خداوند متعال، نیز موجب تقویت حیای ایمانی خواهند بود. احادیث زیر نمونه‌هایی از شواهد روایی بحث بالاست.

۱. امام علی (ع): «أَحْيَاكُمْ أَخْلُكُمْ» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۱۸۵)؛ باحیاترین شما، بردبارترین شماست.

۲. عنه (ع): «أَعْقَلَ النَّاسِ أَحْيَاهُمْ» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۱۸۸)؛ امام علی (ع): خردمندترین مردم، با شرم‌ترین آنهاست.

ترس از عتاب و مذمت دیگری به صورت فطری در همه انسان‌ها وجود دارد پس مربوط به حیای نفسانی است.

چراکه انسان به‌طور فطری خواهان هم‌رنگ شدن با جماعت است؛ زیرا فرد منافع خود را در گروی جلب تأیید گروه از طریق رعایت هنجارهای آن‌ها می‌داند؛ و از طرد و تنبیه و مجازات به دلیل ترک هنجارهای اجتماعی دوری می‌کند.

حلم و خرد هم ازجمله علل تقویت حیای نفسانی است؛ یعنی ارتقای سطح حلم و صبوری افراد در سطح جامعه و هم‌چنین عقلانی شدن فرهنگ و افزایش سطح خردمندی مردم، حیای نفسانی را تقویت می‌نماید. چراکه فرد خردمند به عاقبت عمل خود فکر می‌کند و با توجه به پیامد و کارکرد منفی بسیاری از کنش‌ها از ارتکاب آن‌ها منصرف می‌شود. شخص حلیم و صبور نیز بسیاری از ناملایمات را تحمل می‌کند و در برابر خواهش‌های نفسانی صبوری نموده و از انجام رفتارهای نابهنجار شرم می‌کند.

۱. امام حسن (ع): «الْحَيَاءُ لِمَنْ لَا دِينَ لَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۱۱)؛ شرم ندارد کسی که دین ندارد.

۲. عنه (ص): «الْحَيَاءُ هُوَ الدِّينُ كُلُّهُ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۵۳)؛ شرم، همه دین است.

۳. الإمام الباقر (ع): «الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ، فَإِذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبَعَهُ صَاحِبُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۳۱)؛ شرم و ایمان به هم پیوسته‌اند؛ هرگاه یکی از آن‌ها برود، دیگری هم در پی آن روانه شود.

۴. الإمام علی (ع): «كَثْرَةُ حَيَاءِ الرَّجُلِ دَلِيلُ إِيْمَانِهِ» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۵۲۵)؛ شرم زیاد مرد نشانه ایمان اوست.

۵. امیرالمؤمنین (ع): «لَا إِيْمَانَ كَالْحَيَاءِ وَالسَّخَاءِ» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۷۸۲)؛ ایمانی چون شرم و بخشندگی نیست.

۶. الإمام الصادق (ع): «إِنَّ الْحَيَاءَ وَالْعَفَافَ وَالْعِي - عَى اللَّسَانَ لَا عِي الْقَلْبِ - مِنَ الْإِيْمَانِ، وَالْفُحْشَ وَالْبَذَاءَ وَالسَّلَاطَةَ مِنَ التَّفَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۷، ص ۶۱)؛ شرم و پاکدامنی و کندی - کندی زبان، نه کندی دل - از ایمان است و زشت‌گویی و بدزبانی و دریدگی از نفاق.

روایات بالا معطوف به حیای ایمانی است؛ و از نسبت حیا، ایمان و دین‌داری سخن می‌گوید. بر این اساس، هر چه درجه دین‌داری فرد بالاتر و ایمان او قوی‌تر باشد از حیای بیشتری برخوردار است؛ ازاین‌رو، تقویت دین‌داری و ایمان در سطح جامعه، ارتقای سطح حیا را در پی خواهد داشت و به هر میزان که دین‌داری و ایمان کاهش یابد، حیای ایمانی تضعیف و بی‌حیایی ترویج خواهد شد؛ بنابراین، اگر در فرایند جامعه‌پذیری از طریق آموزش‌های رسمی و غیر رسمی، الگوسازی‌های فرهنگی و شیوه‌های اقناعی، علل حیای نفسانی و ایمانی مثل حلم، خرد، رعایت حرمت دیگران، پرهیز از ابراز نیاز و دین‌داری و ایمان، توسط افراد درونی شود، حیا را جامعه‌پذیر شده‌اند. این مسئله نیازمند پژوهشی مستقل است به‌ویژه این که میان خرده فرهنگ‌های ایرانی تفاوت‌های چشم‌گیری وجود دارد؛ اما به‌طور کلی مروری بر متون درسی مقاطع مختلف و محتوای رسان‌های به‌ویژه طنزها، نشانی می‌دهد که ترویج این امور حداقل خیلی برجسته و موردتوجه نیست؛ و به اصطلاح ما شرم و حیا را جامعه‌پذیر نمی‌شویم.

جامعه‌پذیری بی‌حیایی

کاهش سطح دین‌داری، ضعف در ایمان و غفلت از حضور خداوند ازجمله دلایل کاهش حیای ایمانی و کاهش عزت نفس و منزلت اجتماعی، کاهش حلم و بردباری، کاهش سطح خرد و عقلانیت و ابراز نیاز ازجمله دلایل کاهش حیای نفسانی است.

الإمامُ الصَّادِقُ (ع): «كَلَبُ الْخَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ اسْتِثْلَابٌ لِلْعِزَّةِ وَمَذْهَبٌ لِلْحَيَاءِ» (ابن‌شعبه، ۱۳۶۳، ص ۲۷۹)، دست نیاز به‌سوی مردم دراز کردن، عزّت را سلب می‌کند و حیا را می‌برد.

ابراز نیاز نیز ازجمله عوامل تضعیف حیای نفسانی است؛ بنابراین می‌توان همه عواملی که می‌تواند افراد را نیازمند و وادار به ابراز نیاز نماید را در تبیین جامعه‌پذیری بی‌حیایی موردتوجه قرار داد. مثلاً فقر، بیکاری، گرانی و مشکلات اقتصادی زمینه‌ساز بی‌حیایی خواهد بود.

شرم و حیا ابعاد جنسیتی نیز دارد. بر اساس روایت زیر اموری نیز وجود دارد که کاهش سطح حیا در میان بانوان را به‌دنبال دارد. البته در صورت رعایت عفت، نیمی از حیا برای آن‌ها باقی می‌ماند اما با شیوع عمل شنیع زنا، شرم و حیا از وجود زنان منحرف رخت بر می‌بندد. از آنجایی که چهار عامل اول بی‌حیایی در زنان ناگزیر است مذموم هم نخواهد بود و کارکرد این سطح از حیا مربوط به دوران مجردی دختران است و آنچه اهمیت جدی می‌یابد، عفت است.

الصَّادِقِ (ع): «أَنَّهُ قَالَ: الْحَيَاءُ عَلَى عَشْرَةِ أَجْزَاءٍ تَسَعُ فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدَةٌ فِي الرِّجَالِ فَإِذَا خَاصَّتِ الْبَجَارِيَةُ ذَهَبَ جُزْءٌ مِنْ حَيَاتِهَا فَإِذَا تَزَوَّجَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ فَإِذَا افْتَرَعَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ فَإِذَا وَلَدَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَبَقِيَ لَهَا خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ فَإِنْ فَعَجَزَتْ ذَهَبَ حَيَاؤُهَا كُلُّهُ وَإِنْ عَفَّتْ بَقِيَ لَهَا خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ» (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۳۹). حیا ده جزء دارد، نه جزء آن در زنان و یک جزء آن در مردان است، وقتی دوشیزه‌ای حیض دید یک جزء از حیای او می‌رود و وقتی ازدواج کرد، جزء دیگری می‌رود و چون بکارت او رفت، جزء دیگری می‌رود و چون بچه به دنیا آورد، جزء دیگری می‌رود و پنج جزء می‌ماند و اگر زنا کند تمام حیای او می‌رود و اگر عفت داشته باشد پنج جزء می‌ماند.

بنابراین رواج روسپیگری یا فحش‌های جنسی در جامعه، عامل اصلی در پایان بخشی به شرم و حیا در برخی از عرصه‌های مهم است. چراکه کنش‌گران این عرصه احتمالاً در سایر عرصه‌های اجتماعی هنوز مراعات حضور دیگران و تلاش برای جذب عاطفه مثبت آن‌ها را موردتوجه قرار می‌دهند که البته باید توجه داشت بر اساس متون روایی انواع و سطوح مختلفی از زنا مثل زناي چشم، گوش و دست وجود دارد که هر یک سطحی از حیا را از بین می‌برد؛ ازاین‌رو، با افزایش نرخ سطوح مختلف روابط نامشروع شاهد افزایش سطح بی‌حیایی و علنی شدن انحرافات اجتماعی خواهیم بود.

جامعه‌پذیری حیا و بی‌حیایی در جامعه معاصر

تبیین جامعه‌پذیری حیا و بی‌حیایی در جامعه معاصر ایران نیازمند انجام پژوهش‌های میدانی است. بررسی

فرایند آموزش‌های رسمی و غیر رسمی، تحلیل محتوای متون درسی در مقاطع مختلف، ارتباطات معلم و دانش‌آموز، تفکیک یا اختلاط‌های آموزشی، به‌ویژه در برخی از رشته‌های حساس و مرتبط با حیا مثل گرایش‌های مختلف پزشکی، بررسی محتوای رسانه‌های ملی و بیگانه و فضای مجازی، بررسی ارتباطات در گروه‌های دوستی و بالاخره فرایند و محتوای جامعه‌پذیری حیا در محیط خانواده، برای تبیین جامعه‌پذیری حیا در ایران معاصر لازم و ضروری است. در این پژوهش تنها به نمونه‌هایی در این زمینه اشاره کرده‌ایم.

حیازدایی در مراکز بهداشتی درمانی

هنگامی که در جامعه اهدافی تعریف شود که وسایل دسترسی به آن فراهم نیست، افراد وادار به استفاده از ابزارها و شیوه‌های نامشروع می‌شوند و به تدریج با همگانی شدن این شیوه‌ها، مقبولیت عام یافته و ارزش‌های متناسب با آن‌ها تولید خواهد شد؛ به‌عنوان نمونه، مراجعه بانوان به پزشک مرد به‌ویژه هنگامی که لمس و معاینه بدنی لازم و ضروری است در فرهنگ ایرانی اسلامی، انحراف تلقی می‌شود؛ اما هنگامی که پزشک زن در دسترس نیست بانوان با کراهت و رنج، وادار به مراجعه به پزشک مرد می‌شوند؛ به‌عنوان نمونه، خانم‌های باردار به‌ویژه در مناطق محروم برای خدمات درمانی با مشکل‌های فراوانی مواجه می‌شوند؛ زیرا در ایران به ازای هر یک میلیون زن، یک پزشک متخصص اورولوژی و به ازای هر ۱۰۰ هزار زن سه پزشک متخصص رادیولوژی وجود دارد. حداقل در ۲۰۰ شهر، اصلاً متخصص زنان و رادیولوژی نداریم (عیوضی، ۱۴۰۰). سایر تخصص‌ها مثل سونوگرافیست یا حتی نیروهای خدماتی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی به‌ویژه در بیمارستان‌های خصوصی نیز معمولاً مرد هستند.

فرایند یک عمل جراحی را در نظر بگیرید، معاینه و انواع آزمایش‌ها و تصویربرداری‌ها قبل از عمل، نظافت بدن توسط فردی غیر از بیمار (احتمالاً زن)، انجام بیهوشی که در اغلب بیمارستان‌ها توسط متخصص مرد انجام می‌شود، حضور در اتاق عمل که همیشه ترکیبی از مردان و زنان را دربر می‌گیرد، انجام عمل جراحی و انتقال به اتاق احیا که معمولاً توسط نیروهای خدماتی مرد صورت می‌گیرد. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، در هیچ مرحله‌ای زنان از شر حضور مردان در امان نیستند. حال در جامعه‌ای که درصد قابل‌توجهی از زنان هر از چند گاهی به دلیل معاینه، آزمایش یا تصویربرداری و عمل جراحی و سایر امور مربوط به بهداشت و سلامت، وادار می‌شوند در مقابل متخصص یا نیروی خدماتی مرد برهنه یا نیمه برهنه شوند، دو پیامد مورد تصور است؛ یا زنان در یک اقدام هماهنگ دست به انتقاد و اعتراض می‌زنند، یا به تدریج با این مسئله کنار آمده و از طریق تغییر باورها و ارزش‌ها دست از سطحی از شرم و حیا بر می‌دارند؛ و این همان جامعه‌پذیری بی‌حیایی است.

نهاد آموزش

در برخی مراکز آموزشی نیز جامعه‌پذیری بی‌حیایی در حال انجام است. عدم تفکیک جنسیتی، اردوها و برنامه‌های مختلط به‌ویژه در برخی از رشته‌ها و دروس خاص مثل رشته پزشکی و درس بهداشت (۳)، دانشجوی

فرایند جامعه‌پذیری بی‌حیایی را طی می‌کند. درس بهداشت ۳، در رشته‌های پزشکی با سرفصل‌هایی مثل سیاست‌های جمعیتی و تنظیم خانواده، بهداشت و مراقبت‌های پیش از ازدواج و قبل از دوران بارداری، کلیات حاملگی، علائم بارداری، بهداشت و مراقبت‌های دوران بارداری و تأثیری آن بر سلامت نوزاد و کاهش مرگ و میر مادران و کلیات بهداشت و مراقبت‌های حین زایمان، پس از زایمان و دوران شیردهی، در کلاس‌های مختلط اختلالاتی ایجاد می‌کند که در طولانی مدت منجر به کاهش حیا خواهد شد.

رسانه

در رسانه ملی شاهد تغییراتی در جواز پخش برخی از برنامه و صحنه‌ها مواجهیم. تحولاتی که در نمایش ورزش بانوان صورت گرفته، یا تغییر در سطح حساسیت در سانسور فیلم و سریال‌های خارجی و اغماض در برخی از صحنه‌ها و برنامه‌هایی مثل مستندهای مربوط به زندگی حیوانات که اصرار زیادی بر برجسته‌سازی عرصه‌های جنسی و تکرار زیاد اصطلاحاتی مثل نر و ماده، جفت یابی، جفت‌گیری و زایمان دارد.

در بخش سینمای خانگی این حساسیت‌ها تحول جدی‌تری یافته و برخی از صحنه‌های عاشقانه، یا نمادسازی تعاملات جنسی یا وضع حجاب و پوشش و آرایش‌های غلیظ زنان، خواستگاری‌های نامتعارف و رفتارهایی مثل لمس مردان توسط زنان به راحتی صورت می‌گیرد و مجوز پخش دریافت می‌کند؛ مثلاً در سریال «خوب بد جلف» پژمان جمشیدی و سام درخشانی هرچند به شوخی گفت‌وگویی دارند که حاکی از تغییر ارزش‌ها و کاهش سطح حساسیت‌هاست، اما پژمان جمشیدی به همسر خیالی خود میترا می‌گوید به پسرم بگو پدرت شجاع بود. سپس درخشانی هم همین جمله را به میترا می‌گوید و بعد که پژمان به نشانه اعتراض می‌گوید میترا همسر من است، سام می‌گوید منو تو نداریم!

در فضای مجازی که با انفعال یا اغماض دولت‌ها در فیلتر سایت‌ها و صفحات نامناسب، با یک وضعیت کاملاً رها شده روبه‌رویم. دسترسی به عکس‌های و فیلم‌ها یا ارسال و دریافت نماهنگ‌ها و کلیپ‌ها هیچ گونه رده‌بندی سنی و تخصصی وجود ندارد. سکس در قالب آموزش‌های علوم و فنون یا طنز حتی در میان قشر مذهبی دست به دست می‌شود.

ورزش

ورزش بانوان و تأمین امکانات مورد نیاز برای این امر ضروری است؛ اما حضور مربیان و مسئولین مرد در میان بانوان، یا تهیه گزارش‌های تصویری و پخش آن از شبکه‌های مختلف مسئله‌ای است که بر جامعه‌پذیری پوشش اثرگذار است. از سویی، ورزش بدون مسابقه و حضور بین‌المللی نیز در دوره معاصر بی‌معناست. از سویی لباس ورزشی در رشته‌های مختلف و قوانین ورزشی و حضور آقایان و فیلمبرداری نیز امری رایج است. بدیهی است برخی از این عرصه‌ها در اختیار برنامه ریزان و تصمیم گیران ایرانی قرار ندارد؛ اما حیطه‌های داخلی نیز بسیار تحت تأثیر

قرار گرفته است؛ مثلاً طراحی لباس رسمی بانوان برای شرکت در مسابقات رسمی کشوری و جهانی بیشتر به کت و شلوار مردانه شبیه است. جالب این که نمایش خبری مسابقات از شبکه‌های رسمی، نیز صورت می‌گیرد. به راستی هنگامی که دختران این مرز و بوم در مقابل تماشاگران مرد و دوربین‌های فیلمبرداری با این‌گونه لباسها حاضر می‌شوند در سطح عمومی جامعه انتظار داریم که با چادر یا مانتوهای بلند حضور یابند؟

کارکردهای حیا

در آموزه‌های روایی کارکردهای متنوعی برای حیا ذکر شده است. سازگاری و نرمش، مهربانی، سلامت نفس، دوری کردن از بدی‌ها، خوشرویی، گذشت و بخشندگی، موفقیت و خوشنامی، عفت و پاکدامنی، پوشیده ماندن عیوب شخص از دیگران، ظهور جوانمردی در میان مردم از جمله کارکردهای شرم و حیا است.

۱. رسول الله (ص): «الْحَيَاءُ خَيْرُ كُلِّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۳۵)، شرم، سراسر خیر و خوبی است.

۲. رسول الله (ص): «الْحَيَاءُ لَا يَأْتِي إِلَّا بِخَيْرٍ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۵۳)؛ شرم، جز خوبی به بار نمی‌آورد.

۳. رسول الله (ص): «أَمَّا الْحَيَاءُ فَيَتَشَعَّبُ مِنْهُ: اللَّيْنُ، وَالزَّافَةُ، وَالْمُرَاقَبَةُ لِلَّهِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالسَّلَامَةُ، وَاجْتِنَابُ الشَّرِّ، وَالْبَشَاشَةُ، وَالسَّمَاخَةُ، وَالظَّفَرُ، وَحُسْنُ الثَّنَاءِ عَلَى الْمَرْءِ فِي النَّاسِ، فَهَذَا مَا أَصَابَ الْعَاقِلَ بِالْحَيَاءِ، فَطُوبَى لِمَنْ قِيلَ نَصِيحَةُ اللَّهِ وَخَافَ فَضِيحَتَهُ» (ابن شعبه، ۱۳۶۳، ص ۱۷)؛ اما آنچه از شرم منشعب می‌شود: نرمش، مهربانی، در نظر داشتن خدا در آشکار و نهان، سلامت [نفس]، دوری کردن از بدی، خوشرویی، گذشت و بخشندگی، موفقیت و خوشنامی در میان مردم است. اینها فوایدی است که خردمند از شرم می‌برد. پس خوشا کسی که نصیحت خدا را بپذیرد و از رسواگری او بترسد.

۴. امیرالمؤمنین (ع): «سَبَبُ الْعِفَّةِ الْحَيَاءُ» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۳۹۶)؛ علت پاکدامنی، شرم است.

۵. امیرالمؤمنین (ع): «عَلَى قَدْرِ الْحَيَاءِ تَكُونُ الْعِفَّةُ» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۲۵۶)، پاکدامنی به اندازه حیا بستگی دارد.

۶. امیرالمؤمنین (ع): «مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبُهُ خَفِيَ عَلَى النَّاسِ عَيْبُهُ» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۶۲۰)، هرکس که شرم، جامه خود را بر او بپوشاند، عیبش بر مردم پوشیده ماند.

۷. امیرالمؤمنین (ع): «أَصْلُ الْمَرْوَةِ الْحَيَاءُ، وَتَمَرُّهَا الْعِفَّةُ» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۱۹۹)؛ ریشه جوانمردی، شرم است و میوه آن، پاکدامنی.

۸. امیرالمؤمنین (ع): «الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنْ فِعْلِ الْقَبِيحِ» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۷۴)؛ شرم، مانع زشتکاری می‌شود.

بخشندگی، مدارا، خوشرویی، جوانمردی و اعتماد و اموری از این قبیل که بنیان سرمایه اجتماعی را تشکیل داده و قوام و استمرار جامعه و انسجام اجتماعی به آن وابسته است، در زمره کارکردهای حیا قرار دارند؛ بنابراین تنها در

سایه حضور قدرتمند حیا در جامعه، زیست اجتماعی امن و مسالمت آمیز امکان تحقق دارد و فقدان حیا می‌تواند زمینه ستیز اجتماعی و کشمکش‌های فراوانی را به دنبال داشته باشد؛ زیرا اگر شرم حضور مانع از انجام بسیاری از تخلفات و انحرافات باشد، بی‌حیایی هرج و مرج و آنومی را به دنبال خواهد داشت.

کژکارکردهای حیا نابجا

از آنجا که حیا را به دو نوع عقلانی و غیرعقلانی تقسیم نمودیم، کژکارکردهایی نیز برای آن قابل تصور است، اما در حقیقت این حیا نیست که کژکارکرد دارد، بلکه شرم و حیا در جایی که نباید باشد، کارکرد منفی به دنبال دارد. ازجمله کژکارکردهای شرم و حیای نابجا می‌توان به محرومیت، کاهش رزق و روزی، عدم دستیابی به دانش و معرفت، کتمان حق، ضعف در مهمان‌داری، نقص در احترام به والدین و آموزگار، اشاره کرد.

۱. الإمام علی (ع): «قُرِنَتِ الْهَيْبَةُ بِالْحَيَّةِ، وَالْحَيَاءُ بِالْجُرْمَانِ»؛ (ابن شعبه، ۱۳۶۳، ص ۲۰۱) ترس، با ناکامی قرین است و کمرویی با محرومیت.

۲. عنه (ع): «الْحَيَاءُ يُمْنَعُ الرَّزْقَ» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۲۷)؛ کمرویی مانع روزی است.

۳. الإمام الصادق (ع): «مَنْ رَقَّ وَجْهُهُ رَقَّ عِلْمُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۶)؛ هرکه کم‌رو باشد، کم دانش شود.

۴. الإمام علی (ع): «مَنْ اسْتَحْيَى مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ فَهُوَ أَحْمَقُ» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۶۲۸)؛ کسی که از گفتن حق شرم کند، احمق است.

۵. الإمام علی (ع): «ثَلَاثٌ لَا يَسْتَحْيِي مِنْهُنَّ: خِدْمَةُ الرَّجُلِ صَيْفُهُ، وَقِيَامُهُ عَنْ مَجْلِسِهِ لِأَيِّهِ وَتَعَلُّمِهِ، وَطَلَبُ الْحَقِّ وَإِنْ قَلَّ» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۳۳۰)، از سه کار شرم نباید کرد: خدمت کردن به میهمان، از جا برخاستن در برابر پدر و آموزگار خویش و مطالبه حق، گر چه اندک باشد.

با شایع شدن شرم و حیای مذموم، سطح عقلانیت در جامعه کاهش می‌یابد، پیشرفت و توسعه به تعویق می‌افتد و با در حاشیه قرار گرفتن حق و حقیقت، ظلم و بی‌عدالتی و محرومیت رواج می‌یابد. ترویج حیای مذموم مانع از انتقادهای سازنده بوده و زمینه اسطوره‌گرایی را نیز فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری

سنگ بنای جامعه، اخلاق است و بنیان اخلاق بر شرم و حیا استوار است. اگر افراد طی فرایند جامعه‌پذیری حیا و شرم را نیز درونی نمایند، همه صفات و ویژگی‌های خوب اخلاقی در جامعه حضور خواهند یافت و اگر حیا از جامعه رخت بر بندد، همه صفات خوب اخلاقی را با خود خواهد برد و آنومی و هرج و مرج همه جا را فرا خواهد

گرفت. جامعه‌پذیری بی‌حیایی در فضای ولنگاری و تهاجم فرهنگی، در جامعه معاصر ما در حال غلبه است و سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برای مقابله با این پدیده که بنیان جامعه را هدف قرار داده ضروری است. مداخله در فرایند جامعه‌پذیری، محتوای متون درسی و آموزشی در همه مقاطع تحصیلی و استفاده از شیوه‌های سه‌گانه آموزش، الگوسازی و اقتناع در ترویج حیا، مهم‌ترین راهبرد در این مسیر است.

منابع

- ابن‌بابویه محمد بن علی، (۱۴۰۳)، *معانی الأخبار*، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____، (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن علی، (۱۳۶۳)، *تحف العقول*، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
- ابن‌فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ ق)، *معجم مقاییس اللغة*، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی مکان.
- امانی، نیره، (۱۳۹۵)، «*راهکارهای احیای حیا در اجتماع*»، تحقیقات جدید در علوم انسانی، دوره سوم، شماره ۱۶، ص ۲۲۳-۲۰۵.
- پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه*، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.
- پسندیده، عباس، (۱۳۸۳)، *پژوهشی در فرهنگ حیا*، قم: دارالحديث.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، چاپ دوم، قم: دار الکتاب الاسلامی.
- جمعی از نویسندگان، *موسوعة نضرة النعيم فی مکارم أخلاق الرسول الکريم (ص)*، ج ۵.
- جوکار، محبوبه، (۱۳۹۲)، «*الگوی تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی*»، معرفت، شماره ۱۸۶، ص ۸۶-۷۱.
- جهانشاهی، محدثه، (۱۳۹۷)، *اثر بخشی «آموزش حیا» بر «کاهش اعتیاد به اینترنت» و «رفتارهای پرخطر»*، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، شماره ۲۳.
- حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی و دیگران، (۱۴۰۰ ق)، «*شرم و پیشگیری از جرم از منظر دانش جرم‌شناسی و اخلاق اسلامی*»، پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۴۳، ص ۱۴۶-۱۲۵.
- خادم‌پیر، علی، (۱۳۹۴)، «*خاستگاه، عوامل و آثار شرم و حیا در نگاه قرآن و حدیث*»، بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۳۲، ص ۱۵۴-۱۲۷.
- خجسته، نجمه و دیگران، (۱۳۹۸)، «*شیوه‌های ترویج حیا با محوریت سوره نور*»، اخلاق، شماره ۳۳، ص ۶۷-۴۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، چاپ اول، بیروت: دار القلم.
- سمیعان، محمدرضا و دیگران، (۱۳۹۶)، «*بررسی تأثیر دین‌داری بر تجربه احساس شرم و حیای*

- شهروندان، مطالعه موردی شهروندان ۱۱ سال به بالای شهر اصفهان»، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، شماره ۱۱، ص ۷۵-۱۰۱.
- سیوانی‌زاد، سمیه و دیگران، (۱۳۹۹)، «اخلاق اجرا در برنامه‌های غیرنمایشی رسانه ملی با تأکید بر عنصر حیا در اجرای زنان»، اخلاق، شماره ۳۹، ص ۸۷-۱۱۶.
- صدر، سید موسی، (۱۳۹۱)، «ارزش یا ارزش‌های بنیادین در اخلاق»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۹، ص ۳۰-۵۹.
- طبرسی، علی بن حسن، (۱۳۸۵)، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، چاپ دوم، نجف: المكتبة الحیدریة.
- عیوضی، اصغر، خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰/۹/۳۰.
- قاسمی شهری، سیدعلی، (۱۳۹۵)، «علل و آثار کاهش حیا و افزایش بی‌حیایی و راه کارهای برون‌رفت از این وضعیت»، دانشنامه علوم قرآن و حدیث، شماره ۶، ص ۱۱۹-۱۶۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- لو بروتون، داوید، (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی بدن، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر ثالث.
- ماهینی، انسیه، (۱۳۸۹)، «مفهوم‌شناسی حیا و عفاف آسیب‌ها و راهکارها»، پژوهش‌نامه اخلاق، شماره ۱۰، ص ۸۷-۱۱۴.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحارالأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____، (۱۴۰۴ ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- محزونی، پریسا، (۱۳۹۵)، «نقش حیا در پرورش فرزندان پاکدامن از منظر قرآن و روایات»، معارف قرآن و عترت، سال دوم، شماره ۵، ص ۵۱-۷۴.
- محمدی‌فر، بشری، (۱۳۹۷)، «رویکردی بر نهادهای سازی حیا و اخلاق عمومی در پرتو نظریه «کمال‌گرایی کیفی»»، پژوهش‌نامه زنان، شماره ۳، ص ۸۷-۱۱۴.
- مسکویه، ابن علی احمد بن محمد بن یعقوب، (۱۳۸۵)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم: طلیعه النور.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- المناوی، عبدالرؤف، التوقیف علی مهمات التعاریف.
- میرپوریان، معصومه سادات، (۱۳۹۵)، «بهره‌گیری از روایات معصومین برای بیان مفهوم عرفانی حیا»، مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره دوم، شماره ۱/۳، ص ۶۹۱-۷۰۵.